

پژوهش در کلاس درس - بخش ششم

دکتر لیلا سلیقه‌دار



راه‌ورسم تفکر

اشاره

همواره افراد از سوی بزرگان به تفکر دعوت شده‌اند. اهمیت این نکته بدان اندازه است که هر یک دقیقه تفکر در دین مبین اسلام، به هفتاد سال عبادت تشبیه شده است و به همان اندازه اهمیت و ارزش برای تفکر قائل شده‌اند. از سوی دیگر، اساس پژوهش را از ابتدا تا انتها، تفکر تشکیل می‌دهد. از این رو، ضرورت توجه و اهتمام ویژه به امر تفکر، بر همه به‌ویژه معلمان که هدایت‌گران افراد در یادگیری و تعالی هستند، بسیار احساس می‌شود. اما چگونه می‌توان به تفکر توجه کرد و آیا راهی برای آموزش آن وجود دارد؟ پاسخ به سؤالات مورد نظر، بخش ششم از سلسله مطالب پژوهش در کلاس درس را تشکیل می‌دهد.

یک روایت تکراری در کلاس درس

کلاسی را تصور کنید که در آن معلم در تب و تاب ارائه‌ی درس است. با اشتیاق زیاد زمینه را برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم می‌کند و با استناد به روش‌های نوین یاددهی-یادگیری، بارها در طول تدریس فرصت‌هایی را برای تفکرها فراهم می‌سازد. «بچه‌ها شما در این باره چه فکر می‌کنید؟» این سؤالی است که او به دفعات آن را در کلاس تکرار می‌کند. اغلب نیز به سرعت با دست‌های بلند شده‌ی بچه‌ها به نشانه‌ی خواستن اجازه برای بیان نظرشان روبه‌رو می‌شود. درحالی که آن‌ها زمانی را به فکر کردن اختصاص نمی‌دهند و معمولاً پاسخ‌هایشان نیز ناصحیح، شتابزده و ناقص است. این رفتار دانش‌آموزان، برای او به

مسئله‌ای تبدیل شده است که باید راه‌حلی برای آن پیدا کند. نمونه‌ای از این دست، ممکن است در هر کلاس درسی مشاهده شود و شاید تصمیم معلم برای حل این مسئله، در ساده‌ترین حالت، این باشد که کمتر دانش‌آموزان را به پاسخ دادن سؤال‌ها دعوت کند. اما نگاه دقیق‌تر به این موضوع، نشان می‌دهد که در اغلب موارد، دانش‌آموزان با تفکر و شیوه‌های مربوط به آن آشنایی ندارند. آن‌ها معمولاً سرعت در پاسخ دادن به سؤالات را به تأمل درباره‌ی آن بیشتر ترجیح می‌دهند. هر چند این امکان وجود دارد که این رفتار به علت دریافت بازخوردهای تأییدگرانه از سوی بزرگسالان در آن‌ها شکل گرفته باشد، اما تفکر کردن لزوماً به معنای از دست دادن زمان و

نداشتن سرعت در پاسخ‌گویی نیست و به نظر می‌رسد عدم توانمندی در این زمینه، موجب ایجاد چنین رفتارهایی می‌شود.

اهمیت تفکر

امروزه از تفکر و انواع آن به شکل‌های متفاوتی یاد و استفاده می‌شود. تفکر خلاق، تفکر انتقادی و... نمونه‌هایی از این دست هستند. در برخی از مدارس جهان، ساعاتی را هم به این درس اختصاص می‌دهند. این اقدامات از اهمیت و ضرورت این مهارت در زندگی انسان نشئت می‌گیرد، اما با این همه، کافی نیستند. معلمان از جمله گروه‌هایی هستند که بیش از سایرین به ضرورت آموزش تفکر احساس نیاز می‌کنند. زیرا این امر با یادگیری دانش‌آموزان ارتباط تنگاتنگی دارد. به همین دلیل، لازم است ابزارها و روش‌های متفاوت، مورد نظر و توجه آنان قرار گیرد تا از این طریق بتوانند زمینه‌های یادگیری عمیق را در فراگیرندگان ایجاد کنند.

در این باره، موانع فراوانی وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها به عادت‌های تفکر مربوط می‌شود. برای مثال، وقتی دانش‌آموزان را با یک موقعیت کاملاً غیرعادی روبه‌رو می‌کنیم، معمولاً در اولین واکنش، اغلب آن‌ها به نشدنی و محال بودن آن رویداد اشاره می‌کنند. این حالتی است که ذهن‌های دور از تفکر و یا عادت‌های دیرینه و تکراری در ذهن، موجب پیدایش آن می‌شود. برای نمونه به دانش‌آموزان گفته می‌شود که نظرتان درباره‌ی دریافت مبلغی پول در ازای تحصیل در مدرسه چیست؟ در غالب موارد، دانش‌آموزان این موضوع را غیرممکن یا غیرعملی می‌دانند و به‌صورت سؤال و یا جنبه‌های دیگر آن کمتر توجه می‌کنند. این نکات موجب می‌شود که افراد از انجام تفکر دور شوند و نتوانند به درستی موضوع را درک کنند. بدیهی است که نتیجه‌ی

درک نکردن موضوع، ندادن پاسخ مناسب را به دنبال خواهد داشت.

موضوعات سه‌بعدی

برای ایجاد زمینه‌های رشد تفکر، در محیط به‌ویژه در کلاس درس، راه‌های متعددی وجود دارد. نکته‌ی مهم این است که فرصت‌های مناسب برای استفاده از راهکارهای مورد نظر در محیط‌های آموزشی مانند کلاس درس، بسیار مؤثرتر و بیشتر از سایر محیط‌ها برای افراد مهیاست و تنها معلم اندیشمند، علاقه‌مند و مسئولی احتیاج است که از این فرصت‌های بکر استفاده کند.

یکی از راه‌های متداول و مفید در این زمینه، دعوت فراگیرندگان به تفکر سه‌بعدی یا سه‌وجهی درباره‌ی هر مسئله است. در این روش، از افراد می‌خواهیم درباره‌ی موضوع مورد نظر، از سه نظر فکر کنند و پاسخ دهند:

وجه مثبت، وجه منفی و نکات جالب

و البته در این باره این اجبار وجود دارد که همه در هر سه وجه فکر و نظر خود را آزادانه بیان کنند. برای روشن‌تر شدن موضوع، خوب است به مثالمان برگردیم. دانش‌آموزی ممکن است دریافت پول در ازای تحصیل در مدرسه را از سه نظر مطرح شده، به این شکل بیان کند:

وجه مثبت: می‌توانیم با این پول هر چه که دوست داریم بخریم!

وجه منفی: حتماً دیگر پدر و مادرها به ما پول توجیبی نمی‌دهند!

نکته‌ی جالب توجه: این پول قرار است از چه منبعی تأمین شود؟



این شیوه موجب می‌شود که فارغ از عادت‌های فکری خود و به شیوه‌ها و دیدگاه‌های دیگری، به اطراف خود نگاه کنیم؛ ضمن این که ملزم کردن فرد برای بیان نظر خود از هر سه منظر، او را به تأمل بیشتر و عادت به این رفتار وامی‌دارد.

معلم می‌تواند سؤالاتی از این دست و موقعیت‌ها را با توجه به محتوای درس، به شکل‌های متفاوت بیان کند. با این کار خود، علاوه بر تقویت مهارت تفکر دانش‌آموزان، به یادگیری بیشتر و عمیق‌تر آنان نیز توجه می‌کند.

برای مثال، معلم پس از تدریس مفهوم گنجایش در کلاس ریاضی، دانش‌آموزان را با موقعیتی پیچیده روبه‌رو می‌کند. او به دانش‌آموزان می‌گوید، تصور کنید بین تمام آدم‌ها به‌طور مساوی و با گنجایش یکسانی، مایعات و آب تقسیم شود. مثلاً هر نفر به اندازه‌ی سه لیتر در روز، نظر تان در این باره چیست؟ سپس از آن‌ها می‌خواهد تا از هر سه منظر (مثبت، منفی و نکات جالب) موضوع را بررسی و عقاید خود را مطرح کنند. این گفت‌وگو درباره‌ی گنجایش، به درک بیشتر مفهوم مورد نظر و نیز تقویت مهارت تفکر آن‌ها می‌انجامد.

پنج دقیقه‌ی طلایی

از دیگر شیوه‌های تأثیرگذار در تفکر، تفکر پنج دقیقه‌ای است. در این روش، ابتدا افراد را در موقعیت‌هایی خاص قرار می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم درباره‌ی موضوع گفت‌وگو کنند و هدف آن را بیابند و یا به‌صورت روشن‌تری بگویند که در این مسئله به‌دنبال چه هستیم؟



برای مثال، مسئله این است: «جالب‌تر کردن محیط مدرسه». در این مرحله، افراد یک دقیقه وقت دارند تا موضوع را بیشتر باز و هدف آن را بیان کنند. به اصطلاح این مرحله را «تعیین هدف و تکلیف» می‌نامیم. در موضوع ذکر شده، این موارد مستترند:

- به دنبال طرح جدیدی از مدرسه هستیم.
- می‌خواهیم نواقص فعلی مدرسه را برطرف کنیم.

- می‌خواهیم فضاهای بهتری را برای ایجاد جذابیت در مدرسه ایجاد کنیم.

- می‌خواهیم کاری کنیم که مدرسه در افزایش انگیزه‌ی افراد تأثیر مثبتی داشته باشد.

این عبارات به روشن‌تر شدن موضوع و تعیین هدفی که به‌دنبال آن هستیم، کمک زیادی می‌کنند. حالا نوبت آن است که به مرحله‌ی بعدی برویم که در اصطلاح به آن مرحله‌ی «گسترش و جست‌وجو» گفته می‌شود. برای انجام این مرحله، دو دقیقه وقت لازم داریم و لازم است طی آن راه‌های پیشنهادی ارائه و البته هر سه بعد آن (منفی، مثبت و موارد جالب آن راه) نیز مطرح شود. برای مثال و در ادامه‌ی نکات مطرح‌شده در مرحله‌ی قبل، این موارد طرح می‌شود:

- استفاده از آلاچیق‌های زیبا در حیاط مدرسه، محیط را شاد و زیبا می‌کند. البته ممکن است این کار بچه‌ها را به تفریح بیشتر و درس خواندن کمتر وادارد. مدرسه می‌تواند در روزهای تعطیل، این مکان‌ها را به خانواده‌ی دانش‌آموزان اجاره دهد.

- ایستگاه‌بندی کردن محیط مدرسه به شکلی که هر ایستگاه، به انجام یک فعالیت خاص مربوط باشد و در آن بچه‌ها بتوانند آزادانه آن فعالیت را انجام دهند؛ مثل ایستگاه «بازی و ریاضی» که در آن بازی‌های مرتبط با ریاضی قرار داده شود. این کار هزینه‌ی زیادی می‌خواهد. به نظر می‌رسد به این ترتیب بسیاری از کلاس‌های درس هم در این فضاها برگزار شوند.

پس از این مرحله، دو دقیقه‌ی آخر آغاز می‌شود که به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد. در این مرحله، افراد باید از آن چه تاکنون مطرح شده، به نتیجه‌ی خاصی برسند و آن را تعیین کنند. در مثال یاد شده ممکن است افراد به نتایج زیر برسند:

- چه‌قدر خوب است که در مدرسه به تفریح و سرگرمی بیشتر توجه شود.

- ایجاد فضاهایی که در آن آموزش و سرگرمی توأمان باشد، بسیار مناسب است.

به این ترتیب، افراد در پنج دقیقه، به تفکر و گفت‌وگو با یکدیگر وادار شدند. یکی از محاسن بزرگ این روش آن است که افراد را به تأمل بیشتر و صرف دقایقی برای تمرکز روی موضوع و محدوده‌ی مشخص دعوت می‌کند. بر این اساس، آن‌ها باید در هر مرحله، فقط به آن چه که از آن‌ها خواسته شده است، توجه کنند و آن را انجام دهند.

نمونه‌ای از کاربرد این روش در کلاس درس را به درس مدنی پایه‌ی چهارم ابتدایی اختصاص می‌دهیم. در این درس، معلم می‌خواهد در موضوع زندگی‌های شهری و روستایی، با بحث بیشتر، دانش‌آموزان را به تفکر بیشتری دعوت کند. او این مسئله را بیان می‌کند:

چگونه می‌توانیم در شهر زندگی روستایی داشته باشیم. در یک دقیقه‌ی اول، بچه‌ها گفت‌وگو می‌کنند تا موضوع روشن‌تر شود:

آموزش رنگ‌ها

پنج‌ده‌تایی کلاسی

مجید درخشانی

مربی پرورشی، از دهشیر تفت یزد

معلم ده «تقی‌آباد» بودم؛ دهی که ده‌ها کیلومتر از شهر فاصله داشت. توی همان مدرسه‌ای که درس می‌دادم، زندگی هم می‌کردم. مدیر و آموزگار و خدمت‌گزار، خودم بودم.

یکی از روزهای اواخر پاییز کنار بخاری نشسته بودم و رنگ‌ها را به دانش‌آموزان کلاس اول یاد می‌دادم. از بچه‌ها می‌خواستم که با گچ‌های رنگی، روی تخته‌سیاه شکلی بکشند و نام رنگ را بگویند. بیشتر دانش‌آموزان رنگ‌ها را به‌خوبی یاد گرفته بودند.

برای این که درس را مرور و تمرین کنم، رو به بچه‌ها ایستادم و گفتم: «توجه کنید! الان فکرتان را ببرید توی خانه‌ی خودتان. ببینید در خانه چه چیزهایی هست که رنگ آن‌ها مثل رنگ بعضی از چیزهای توی کلاس است.»

هنوز مدتی نگذشته بود که مُراد بلند شد. ایستاد و گفت: «آقا مدیر، اجازه؟»

او هیکل چاق و قد کوتاهی داشت. اکثر مواقع اجازه می‌گرفت تا به دست‌شویی برود. به چشم‌های دُرشتش نگاه کردم و گفتم: «بله، حتماً دوباره می‌خواهی بروی دست‌شویی؟!»

جواب داد: «آقا مدیر، اجازه؟ نه... می‌خواهم رنگ را بگویم.»

با خوش‌حالی گفتم: «بفرما آقا مُرادجان.»

مُراد گفت: «آقا اجازه؟ ما یک الاغ توی... خانه داریم... که رنگ آن... مثل رنگ کُت و شلوار... شماس... دُرست همین رنگ... رنگ سیاه.»

چه کار می‌توانستم بکنم؟! خندیدم و گفتم: «بارک‌الله مراد. بچه‌ها! برای

مراد یک دست محکم بزنید.»

● منظور این نیست که در شهر دام‌پروری کنیم، اما چگونه می‌توانیم حیوانات را دوست داشته باشیم؟

● منظور این نیست که همه‌ی ما در شهر یکدیگر را بشناسیم، اما چگونه باید در هر مرحله، یکدیگر را بشناسیم و به هم کمک کنیم؟

● چه‌طور آب و هوای خوب و سالمی داشته باشیم؟
با نظر جمع، راه‌های دوست داشتن حیوانات شناسایی، انتخاب و بررسی می‌شود.

در دو دقیقه‌ی بعدی، دانش‌آموزان به ارائه‌ی راه‌حل و یادآوری کارهای انجام‌شده در این زمینه اشاره می‌کنند و در هر مورد، سه بعد منفی، مثبت و جالب آن را نیز در نظر می‌گیرند:

● خوب است برای این کار همه مجبور باشند یک هفته در هر فصل به روستاها بروند و مسئولیت نگاهداری حیواناتی را برعهده بگیرند. در این صورت، آن‌ها به حیوانات علاقه‌مند می‌شوند. اما به نظر می‌رسد به تعداد همه‌ی آدم‌ها روستاها و حیواناتی وجود ندارند که مردم بتوانند یک هفته از آن‌ها مراقبت کنند. از طرف دیگر، ممکن است چون به این کار وادار می‌شوند، به درستی از عهده‌ی انجام آن برنایند و بیشتر به حیوانات آسیب برسانند.

● یک راه دیگر این است که به هر خانواده حیواناتی داده شود که در خانه‌ی خود از آن‌ها نگاهداری کنند. نکته‌ی منفی این کار این است که نگاهداری بسیاری از حیوانات در خانه، از نظر بهداشتی خطرناک است. البته برخی از افراد هم به حیوانات آلرژی دارند و نباید به آن‌ها نزدیک شوند.

این بحث ادامه پیدا می‌کند تا آماده‌ی نتیجه‌گیری شوند. در مرحله‌ی آخر، با توجه به آن چه در دو مرحله‌ی قبل صحبت شده است، نتایجی را مطرح می‌کنند. لازم به یادآوری است که این روش در گروه‌های کوچک قابل استفاده است و تأثیرگذار خواهد بود.

تفکر و پژوهش

بدیهی است که افراد متفکر قادر به انجام پژوهش هستند. همه‌ی مراحل، از احساس مسئله و تعیین موضوع که از ابتدایی‌ترین مراحل انجام پژوهش محسوب می‌شود، تا نتیجه‌گیری و گزارش دهی، به تفکر نیاز دارند. بنابراین می‌توان ادعان داشت که تفکر از جمله مهارت‌های پایه‌ای پژوهشی است و تصور محقق بدون فکر، محال و بی‌پایه است. بر این اساس، توجه به تفکر و آموزش آن به دانش‌آموزان نیز به رکنی مهم در تعلیم و تربیت بدل گشته است و با توجه به این که این آموزش مراحل و مراتب خاصی دارد، لذا شایسته نیست معلمی تنها با ذکر جمله‌ی ساده‌ی «بیشتر فکر کن»، دانش‌آموزان را به تفکر دعوت کند؛ بی‌آن که راه آن را نشان داده باشد.



تصویرگر: لاله‌ضیایی